



جهت دریافت نسخه WORD و فایلهاک مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

خلاصه ای از تعاریف مبانی نظری معماری

### مبانی نظری :

نوع نگاه شخص به زندگی و طرز تلقی از جهان هستی ( جهان بینی ) را مبانی نظری گویند.

پس از آشنایی با مفهوم مبانی نظری به صورت عام و کلی، برای بررسی بیشتر مبانی نظری معماری باید به تعاریف مختلف از آن بپردازیم و جنبه های مختلف مبانی نظری در معماری را مورد بررسی قرار دهیم .

در شناخت و بررسی ابتدایی از مبانی نظری معماری باید به بررسی خود مبانی نظری معماری که شامل هدف ، ماهیت و گرایش های نظری معماری می باشد پرداخت و پس از آن به موضوع مبانی نظری عام معماریطراح در یک طرح و پیوند فرهنگ و معماری که شاملعلوم اجتماعی و فرهنگی و اصول زیبایی شناسی می باشد پرداخت و در نهایتمبانی نظری طراحی معماری که شامل منابع شناخت و تئوریهای گذشته و نوین معماری می باشد را مورد بررسی قرار داد.

### مبانی نظری معماری:

۱-مجموعه و نظامی از داده ها و مفاهیم است که به توصیف و تبیین پدیده های معماری که شامل آثار معماری و اندیشه های مکتوب است می پردازد و این کار را با دو هدف انجام می دهد :

- تولید معماری جدید

- نقد معماری گذشته و موجود

۲-مجموعه ای از ویژگیهای مفهومی و معنایی است که یک طراح (معمار) آنها را در طراحی اثر خود القاء می کند ، که این القاء می تواند آگاهانه و یا بصورت ناخودآگاه باشد.

۳-حاصل تعامل سه اصل مردم ، معمار و معماری که شامل نوع نگاه مردم به معماری، نوع نگاه معمار به معماری و نگاه معمارانه به زندگی مردم می شود.

معماران متفاوت با احساسات ونگرشهای متفاوت کار می کنند .بعضی از آنها برای شروع به کار فاز يك از بنیان فیلسوفانه به عنوان راهبري برای تصمیم گیری استفاده می برند .

### مبانی نظری عام معمار یا طراح در یک طرح :

روحیه و شخصیتی است که طراح برای یک پروژه خاص متصور می شود و از طریق آن ایده های کلی خود را در ارتباط با پروژه بیان می کند . معمار همچون دیگر هنرمندان خلاق،با چند روش کاری مورد استفاده خود انس می گیرد و با



جهت دریافت نسخه WORD و فایلهاک مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

ترکیبهای متفاوت آنها و آزمایشهای پی در پی، زبان مطلوب برای هر طرحی را می یابد. بنا براین هر کار جدید او به کارهای قبلی او متمایل است و بر حسب اعتقاد او به تغییر مد و سلیقه، کارهای او نیز تغییر می کند.

### مبانی نظری طراحی معماری :

اصول و ضوابطی ( دستورالعملهای طراحی ) است که طراح بعد از شناخت و ارزیابی موضوعات یک پروژه خاص برای حصول مبانی نظری عام طرح ، اتخاذ می نماید .

### گذر زمان جبری فرا راه معماری سنتی

برای زندگی روزمره امروزی آیا معماری سنتی می تواند جوابگوی نیازهای ما باشد؟

آیا دائم نشستن و فکر کردن به مسائل فلسفی، فرهنگی و هویتی می تواند مشکلات ما را حل کند؟

گذر زمان جبر را وارد میکند، جبری که معماران و مخاطبان را از معماری سنتی جدا و یا دور می کند، این جبر می تواند جبر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تکنولوژیک و یا سیاسی باشد، به هر حال موجودیت جبر در تمامی موارد فوق بر اثر گذر زمان است، هنر و معماری همیشه و در همه حال تابع اصول و ضوابط معین و شناخته شده ای است و پیوندی استوار و ناگسستنی با فرهنگ، الگوهای رفتاری و ارزشهای جامعه دارد. به همین دلیل است که سبک های معماری هر دوره، انعکاسی از فرهنگ و هنر آن دوره محسوب می شود، همچنانکه تغییرات در معماری با تغییراتی که در سایر عرصه های زندگی به وقوع می پیوندد متناسب است، و این تغییرات لازمه معماری پویا و زنده است تا بتواند نیازهای جدید انسان را پاسخگو باشد. هر سبک جدید معماری بر اصول، روشها و سنتهای سبک های پیشین استوار است و به همین علت است که بین سبکهای گوناگون معماری در گذشته رابطه ای محکم وجود دارد به طوری که مرزبندی در بین آنها دشوار به نظر می رسد. این نزدیکی اصول و روشهای معمار در بین سبکهای مختلف نشأت گرفته از فرهنگ، سنن و الگوهای رفتاری مشابه افراد جامعه می باشد که با اندک تغییرات در شیوه های جدید زندگی و فرهنگ مردم که ریشه در زمان دارد، به علت پاسخگویی به نیازها جدید باعث به وجود آمدن سبکهای معماری می شده، پس باید گفت که زمان همیشه در حرکت است و آن قومی موفق است که نیازهای معماری جامعه را درک کند و زمان و مکان جامعه خود را بشناسد، معماری باید در جهان آزاد صورت پذیرد جهان آزاد بدان معنا نیست که تمام مکان های خاص لزوماً هویتشان را از دست بدهند و جملگی شبیه به هم شوند، جهان آزاد، جهان ارتباطات و تغییرات است، و مستلزم نوعی گونه گونی است. به بیان دیگر، زندگی ضرورتاً با خصوصیات محلی رابطه دارد، و تجسم هر نوع جهان باید تجلی این خصوصیات را با نیاز و تکنولوژی روز در بر گیرد. اینکه معماری می تواند ریشه در محل داشته باشد و با زمان به جلو گام بردارد یعنی می توان بر فراگیر و به روز بودن آن تأکید داشت، در واقع می توان رشد سنت جدید را در معماری از ابتدای تاریخ تا کنون مشاهده کرد، پس نمی توان گفت ظهور معماری جدید که بر اساس همان فرهنگ و الگوهای رفتاری انسان در زمان خویش و بر اساس نیازها و امکانات جدید و نه بر اساس فرهنگ، نیازها و محدودیتهای گذشته شکل گرفته است، باعث گسست پیوندهای محکم و استوار بین برخی از مظاهر و جلوه های زندگی با فرهنگ جامعه و در نتیجه از بین رفتن معماری سنتی شده است زیرا اگر اینگونه می بود بایستی تمامی سبکهای معماری که باعث رشد، پیشرفت و تکامل معماری در طول زمان شده است به دلیل آنکه سبک قبلی خود را دگرگون کرده و یا تکامل بخشیده را محل و نابود کننده معماری سنتی و هویت معماری بدانیم و طبق دیدگاه و نظریه سنت گرایان متعصب بگوئیم که اصولاً انسانها وظیفه نداشتند که عمر و توان خویش را صرف کشف



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

یا اختراع و ایده‌های جدید و برپایی چنین دستاوردهایی نمایند و می‌بایستی گرایش به سنتها و راههای گذشته داشته باشند، هر چند با کمی تأمل می‌توان سنت گرایی آنان را با پیشرفت همان سنت در طول زمان به چالش کشید، زیرا ممکن است که همان چیزی که امروز مدرن است فردا سنت شود. به نظر من و بسیاری دیگر، سنت چیزی در گذشته نیست، سنت همیشه با ماست و خواهد بود سنت نیاز و اعتقاد ما در دورانی است که در آن به سر می‌بریم، البته شاید معماری مبتنی بر سنت باشد اما دیگر متعلق به آن نیست، معماری همیشه و در همه حال با زمان همراه و هم قدم بوده است، و این زمان است که بر اساس ماهیت و جبر خویش فرهنگها، سنن و الگوهای رفتاری را می‌سازد و یا تغییر می‌دهد، باید بپذیریم که معماری و هنرهای سنتی یکی پس از دیگری بر اثر جبر گذر زمان از بین خواهند رفت همانگونه که از ابتدا تا به حال در هر دوره کم رنگ و کم رنگ تر شده و در آخر ضعیف یا از بین رفته اند. سنت باید گسست کامل از آن باشد منتها گسستی که آگاهانه و هوشیارانه است و به بقای فرهنگ می‌اندیشد نه تخریب آن، سنت متعصب حاصل يك جهان‌نگری مداوم و تقلیدی است که امروز منسوخ شده، به هر حال جبر زمان وجود دارد و بهترین راه مقابله با آن همراهی با آن است، یعنی با این جبر همراه شد و آن را واقعیتی غیر قابل انکار دانست.

اگر معماری سنتی و ایرانی نمی‌تواند تکنولوژی و روشهای معاصر را در خود جا دهد و نیاز امروز را بر طرف کند به این خاطر است که نتوانسته با تپش‌های زندگی امروزی همراه شود، اتفاقی که در شعر معاصر با هوشمندی نیما افتاد گسستن از سنت شعر کلاسیک بود که از راه نقد آن اتفاق افتاد. نیما به این نتیجه رسید که جهان‌بینی شاعر کلاسیک مبتنی بر سوبژکتیویته است؛ او به پیرامون خود نگاه عینی و ابژکتیو ندارد. نیما سعی کرد که این رویه را در شعر خود دنبال نکند. خوب! این یعنی نقد تاریخ. اما نغمه‌های محزون موسیقی، معماری و دیگر هنرهای ایرانی هنوز هم گرفتار همان جهان‌بینی سوبژکتیو است که از دیرباز بر کلیت فرهنگ ما حاکم بوده است. به همین دلیل پاسخگویی نیاز نسل امروز نیست. من متأسفم که هنوز چنان نگاه هویت‌خواهانه و متصلبی بر هنرها و معماری ایرانی حاکم است که حاضر نیست به آن نگاه انتقادی بیندازد و طرحی نو بیاورد ...

گویا جبری که از آن سخن به میان است در خصوص معماری ایرانی به جای تکامل تدریجی آن بر اساس نیازهای روز و نوع جهان‌بینی و فرهنگ و هویت ایرانی جبری است کنترل نشده که متأسفانه سعی در حذف معماری ایرانی و جایگزینی آن با معماری همگام با زمان، مطابق با نیازهای جدید به روز و بسته بندی شده اما وارداتی دارد، و به نظر من این هیچ دلیلی ندارد مگر مقابله متعصبانه بعضی افراد که سعی در حفظ هنر و معماری ایرانی به شکل سنتی خود (سنت متعصبانه) و عدم توجه به جبر زمان هستند و بدون توجه به قابلیت‌های جدید در معماری ایرانی و نیازهای جدید بشری بر سنتی بودن آن اصرار می‌ورزند و مخالف با همگام نمودن آن با زمان بر اساس اصول و فرهنگ و جهان‌بینی ایرانی هستند.

## چکیده ای از مباحث مسکونی و اهمیت آن

### مقدمه

یکی از مسائلی که بشر از بدو تولد به طور قاطع و گریز ناپذیری با آن روبرو بوده، مساله مسکن است.



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

مسکن از کلمه (سکنی) به معنی ساکن بودن و قرار گرفته شده است و به معنای هر چیزی است که انسان به وسیله آن سکونت یابد.

در فرهنگ اسلامی کلماتی از قبیل بیت، منزل و دار بکار رفته است که از لحاظ مفهوم به کلمه مسکن متفاوتند.

(بیت) مکانی است که در آن بیتوته شود یعنی شب به روز آورده شود. (منزل) جای فرود آمدن و وارد شدن می باشد، در حالیکه مسکن مفهوم کلی تری داشته و منظور مکانی است که انسان در آن ساکن بوده و آرامش می گیرد از آنجایی که انسان فطرتاً خواهان آرامش و مکان محفوظ می باشد تامین مسکن مناسب یکی از مسائل مهم زندگی و معیشت بشر محسوب می شود.

افزایش شدید جمعیت که پس از انقلاب صنعتی و از حدود 2/5 قرن پیش در کشورهای پیشرفته، از حدود نیم قرن پیش در کشورهای در حال توسعه و از جمله کشور ما مسئله ای حاد و بحث انگیز و موضوع مقاله های بسیار بوده است، پی آمد های متعددی را در زمینه های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی به دنبال دارد. بی تردید بحث درباره جمعیت و رابطه آن با توسعه اقتصادی و سایر مباحث اجتماعی و فرهنگی مواردی است که در اینجا پرداختن به آن ممکن نیست. اما یکی از پیامدهای ناگزیر رشد جمعیت که تقریباً تمام جوامع امروزی با آن دست به گریبانند، موضوع تهیه مسکن برای اضافه جمعیت ناشی از رشد جمعیت است. بدیهی است که هر چه رشد جمعیت سریع تر باشد، مشکل مسکن ابعاد وسیع تری خواهد یافت. در ایران



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

، به ویژه در سال‌های اخیر، رشد جمعیت چنان لگام گسیخته بوده است که شاید بالاترین حد رشد را در میان سابر کشورها نشان دهد. این جمعیت اضافی نیازها و مشکلاتی را به دنبال دارد که برخی از آنه بتدریج و با افزایش سن جمعیت ، در مقاطع مختلف زمانی چهره می نماید و به عنوان مسئله حاد روز مطرح خواهد شد. از جمله این نیازها نیاز به مسکن است. این نیاز گر چه در چند دهه گذشته همیشه به عنوان مشکل اساسی جامعه مطرح بوده است ولی در دهه های آتی ابعادی وسیع تر خواهد یافت . نیاز به مسکن تنها ناشی از رشد جمعیت و افزایش زاد و ولد نیست و گرایشهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز در آن موثر است. مثلا مهاجرت از روستا به شهر و تحول خانواده های گسترده به خانواده های هسته ای ، یعنی کاهش نسبت خانوار به واحد مسکونی و عواملی از این دسته ، در میزان و چگونگی تقاضا برای مسکن موثر است.

معضل افزایش تقاضا در برابر تولید مسکن ، تنها مربوط به شهرهای بزرگ همچون تهران و اصفهان و مشهد و تبریز نیست . این مشکل در تقریبا تمام شهرهای بزرگ و کوچک مطرح خواهد شد .

از طرفی موضوع مسکن در میان موضوعات معماری دقیقا همانی است که شدیدترین پیوندها را با ظریفترین اشکال با میراث و ویژگیهای محیطی- فرهنگی داشته و از اهمیت ویژه ای برخوردار است.



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

سنت سکونت‌ظریفتریندر ساخت مسکن و فن آوری محسوب می‌شود و آن دسته از مسائل را شامل می‌شود که تجسم یافته اعتقادات و باورهای انسان در فضای زیست اوست.

به عبارت دیگر اگر به خانواده بنگریم که فضای خانه را بر اساس آداب و سنن و سلیقه های خود تصاحب می‌کند در برخی مکانها گرد می‌آید و در جای دیگر حضور جمعی ندارد. و در می‌یابیم که چگونگی روابط جاری بین افراد خانواده، بر نحوه استفاده از مجموعه فضا های خانه سایه می‌افکند جابه‌جا شدن افراد در خانه تابع فرهنگی است که سر در ژرفای اندیشه‌ها و رسوم دارد و روی به اتفاقاتی که در جامعه می‌افتند. در کل می‌توان گفت که خانه‌ها معانی مختلفی برای افراد مختلف دارد اما آنچه برای همه مشترک است مفهوم سرپناه بودن خانه است، مسکن برای کسی که در آن‌ها زندگی می‌کند به خاطر احساس مخصوص هر کس برای خانه‌اش، زیرا که هر فرد می‌کوشد خانه‌اش را به گونه‌ای بسازد که بر شخصیتش بیافزاید.

خانه جایی است که نسلها پدید می‌آیند رشد می‌کنند و شکل می‌گیرند، خانه به مثابه یک کالبد معماری حاوی ایده‌ها و ارزشهاست آنچه در لحظه آفرینش در آن گنجانده شده باشد از سطوح و دیوارهای آن تششع کرده و به کسانی که در آن قرار می‌گیرند انتقال می‌یابد، این پیامها مستمر و ضمیرنا خود آگاه وضعیتی خطیر ایجاد می‌کنند در فضای رفتارها، بازتاب، الگوهای زندگی شکل می‌گیرند و به مثابه برداری موثر بر زندگی اجتماعی عمل می‌کند. از سویی دیگر گاهی تفاوت بافت مسکونی به دلیل گستردگی آن وجه غالب و



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

مشخصه کالبدی شهر هاست و به این جهت نیز خانه، و چگونگی اش و تکثیر و تکرار آن‌ها اهمیت و مقیاسی مضاعف پیدا می‌کند به همین دلایل است که گفته می‌شود تامین زندگی خصوصی بس عاجل و مهم است و آدمیان در محل زندگی خود هر جا که باشند خانه، آپارتمان یا هر نوع مسکن دیگر از آن برخوردار باشد.

در کشورهای در حال رشد تنها قشرهای معدودی از جامعه امکان دسترسی به مسکن مناسب خود را به دست می‌آورند. در نتیجه بقیه قشرهای اجتماعی به ویژه گروه‌های وسیع کم درآمد شهری همواره از داشتن یک سکونتگاه مناسب در رنج هستند.

در اصل سی و یکم قانون کشور ما نیز آمده است دسترسی به مسکن حق هر خانوار ایرانی است. ولیکن آیا همه افراد جامعه به خصوص اقشار آسیب پذیر و کم درآمد دسترسی به مسکن مناسب را دارند، این مسئله ای است که باید با در نظر گرفتن پیشرفتهای فنی ساخت مسکن و شرایط متحول اجتماعی و آگاهی بیشتر به حقوق فردی و اجتماعی و ضرورت تامین نیازهای اجتماعی جامعه به این مسئله مورد بررسی قرار گیرد.

### عملکرد و تجهیزات مسکن:

عملکردهایی که فضاهای مسکونی دارند، مبتنی بر نیازهای ساکنین آن است و مسکن باید این نیازها را برآورده سازد.

جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

در انجام دادن مؤثر عملکردها نه تنها مساحت فضاها و نوع تجهیزات، بلکه نحوه قرارگیری فضاها و تشیل دهنده مسکن و شرایط پیرامون آن نیز نقش مهمی دارند. قسمتهای تشکیل دهنده مسکن خانوار سنتی ایرانی با توجه به مطالعات انجام شده در نیازها و رفتارهای مسکونی شامل اجرای زیر است:

#### **عرصه مشترک:**

عملکرد: خانواده باید فضای لازم برای ادامه زندگی جمعی خود را داشته باشد. چنین فضایی علاوه بر آنکه امکان جریان یافتن اعمال مختلف زندگی خانواده را می‌دهد، اغلب فعالیت‌های فردی را نیز سبب می‌شود. این «فضای زندگی» عنصر اصلی مسکن خانوار سنتی است.

تجهیزات این فضا عبارتند از: فرش، تلویزیون، رادیو، میز، گنجه ظروف، وسیله تکیه دادن، گل و گلدان وسایل گرمایش و سرمایش. ایوان را حیاط در فصولی خاص به عرصه مشترک تبدیل می‌شود.

#### **عرصه والدین:**

عملکرد: زن و شوهر باید عرصه‌ای خصوصی برای خواب خود داشته باشند. جز آن، در طول روز نیز باید ترتیب و تعداد فضاهای خانه طوری سامان داده شود که امکان صحبت خصوصی آنها را فراهم سازد.

تجهیزات عرصه شامل: فرش، رختخواب، گنجه لباس، دسترسی مناسب به فضای خدماتی، وسایل گرمایش و سرمایش.

#### **عرصه فرزندان:**





جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

عرصه خواب فرزندان باید برحسب سن و جنسیت آنها جدا گردد. یعنی کودکان بیش از چهار سال باید از والدین و دختران و پسران بیش از هفت سال جدا هم از بخوابند. پسر بزرگ یا دختر بزرگ خانه باید عرصه خواب و استراحت فردی داشته باشد.

تجهیزات شامل: فرش، رختخواب، گنجه لباس و وسایل، میز تحریر، وسایل گرمایش و سرمایش.

#### **عرصه خویشاوند:**

خانواده‌های ایرانی در موارد متعددی نیمه گسترده هستند. فرد همراه خانواده در بسیاری موارد مسن یا شخص جوانی است که کار می‌کند. وی باید بتواند عرصه خصوصی برای خواب و استراحت خود داشته باشد.

تجهیزات این عرصه شامل: فرش، رختخواب، گنجه لباس و وسایل، وسیله گرمایش و سرمایش.

#### **عرصه مهمان:**

پذیرایی از مهمان، سنتی دیرینه است که ریشه در فرهنگ و عادات مردم دارد. این عرصه تا حد امکان باید از حریم زندگی خصوصی خانواده جدا بماند.

تجهیزات: فرش، پشته، گنجه، گل و گلدان. میز، مبلمان.

#### **فضای خدماتی:**

این فضاها شامل: آشپزخانه، فضاهای بهداشتی، فضای

نگهداری البسه و پوششها و انباری می‌باشد.



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

### فضاي ورودی و خروجی:

فضاي ورودی خانه، فضاي مکت و توقفی است که شخص را برای ورود و خروج آماده می‌کند. در ضمن فضاي واسطه‌ای بین عرصه عمومی و عرصه خصوصی درون خانه نیز می‌باشد و باید حریمی برای فضاهای داخلی خانه ایجاد کند و آنها را از معرض دید افراد بیگانه خارج سازد.

### مفهوم سکونت

سکونت را می‌توان بیانگر تعیین موقعیت و احراز هویت دانست. سکونت بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض می‌باشد که این پیوند از تلاش برای هویت یافتن یعنی به مکانی احساس تعلق داشتن ناشی گردیده است بدین ترتیب، انسان زمانی بر خود وقوف می‌یابد که مسکن گزیده و در نتیجه هستی خود در جهان را تثبیت کرده باشد. (نوربری، 1381)

از نظر هایدگر طرز و طریق بودن انسانها بر روی زمین، سکونت کردنشان است. او در مقاله «ساختن، سکونت گزیدن، اندیشیدن» با ریشه کلمه آلمانی **Bauen** (ساختن) دلالت‌های قدیمی و پهنه مفاهیمی را از نو می‌گشاید تا غذای وجود را

جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

بیان کند و سکونت را به بودن با چیزها تعبیر می‌کند: همچنان که در وجود و زمان نیز از سکونت ذات انسان در حقیقت خود وجود بحث می‌کند. او در گفتار خود اصرار می‌ورزد که اندیشیدن و شعر لازمه سکونت است. او سکونت را اساسی‌ترین ویژگی وجود مطابق آنچه فانیان اند فرض می‌کند. در پایان این مقاله چنین آمده است: «در حال حاضر همه از کمبود مسکن سخن می‌گویند؛ اما کسی به مصیبت واقعی سکونت نمی‌اندیشد. بی‌خانمانی بشر از آن است که کسی بحران واقعی مسکن را به مثابه مصیبت درک نمی‌کند.» پاسخ هایدگر در پرسش از راه حل مسئله چنین است: «فانیان سکونت را به سویی تمامیت ماهیت خود سوق می‌دهند؛ و این مشروط بدان است که بر مبنای سکونت کردن بنا کنند و برای سکونت کردن فکر کنند.» (طهوری، 1381).



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

## تعریف مسکن

مسکن اسم مکان است بر وزن مَفْعَل به معنای محل آرامش و سکونت که از ماده سَكَن به معنی آرامش می‌آید و در اصطلاح به مکانی می‌گویند که انسان در آن زندگی می‌کند. در لغت نامه دهخدا مسکن چنین معنی شده: جای باشش و خانه، منزل و بیت، جای سکونت و مقام، جای آرام....

در دومین اجلاس اسکان بشر در سال (1996) که در استانبول برگزار شد مسکن مناسب چنین تعریف شده است:

«سرپناه مناسب تنها به معنای وجود يك سقف بالاي سر هر شخص نیست، سرپناه مناسب یعنی آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای. روشنایی، تهویه، سیستم گرمایی مناسب، زیرساخت‌های اولیه از قبیل آبرسانی مناسب، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست محیطی عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابل دسترس از نظر کار و تسهیلات اولیه که همه این موارد باید با توجه به استطاعت مردم تأمین شود.» (دلال پور، 1379)

خانه با مطرح شدن به عنوان پیکره‌ای معمارانه در محیط هویت ما را محرز کرده و امنیت را بر ما ارزانی میدارد؛ و سرانجام هنگام پای نهادن به آن به آسایش دست می‌یابیم. در خانه چیزهایی را می‌یابیم که بر آنها وقوف داشته و گرامیشان می‌داریم. ما آنها را با خود از بیرون آورده و به خاطر آنکه بخشی از جهان ما را می‌سازند در کنارشان به



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

زندگی می‌پردازیم. هنگام تحقق بخشیدن به سکونت خصوصی، به آزمون آنچه «آرامش داخلی» خوانده شده می‌پردازیم. برای بشلارخانه قبل از هر چیزی فضا و مکان درونی است. درونی بودن آن در رابطه با بیرون آن، با کوچه و خیابان، رودخانه و مزرعه، گسترده‌های بیرونی روستا و شهر، دریا و زمین و آسمان، طبیعت و جهان و سرانجام همه هستی معنا و ارزش می‌یابد. برای او مهم‌ترین حسن خانه این است که رویا را در خود می‌پروراند. و در نهایت خانه به ما این امکان را می‌دهد که در آرامش در خیالات خود غرق شویم.

### محیط مسکونی

برای تأمین رشد اجتماعی، عرصه مسکن علاوه بر خود واحد مسکونی باید محیط پیرامون آنرا نیز در بر بگیرد. وقتی مجموعه‌ای مسکونی ساخته می‌شود در واقع کانونی اجتماعی شکل می‌گیرد. این کانون برای حفظ ارزش‌های خود به انسجام شخصی احتیاج دارد. اگر به این امر بی‌توجهی شود ممکن است بخشی از پیکره اجتماع از آن جدا و ارتباط خود را با آن از دست بدهد. برای تأمین انسجام یک محله باید دو عامل را در نظر گرفت: ترکیب مناسب گونه‌ها و اندازه‌های مختلف مسکن و ایجاد روش مناسب برای دادن کمک‌های مالی در جهت تأمین مسکن.

### محیط مسکونی از لحاظ کالبدی:

مسکن حافظ کیان خانواده و روابط بین اعضای آن است (ارتباط افقی) و محیط مسکونی روابط همسایگی و ارتباط بین خانواده‌ها را در بر می‌گیرد (ارتباط عمومی) محیط مسکونی



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

جایی است که زمینه انطباق کودک را با اجتماع پیرامون وی فراهم می‌سازد و او را برای ورود به جامعه آماده می‌کند. از این رو ماهیت و سازماندهی محیط مسکونی نباید برخلاف فطرت انسان باشد و به علاوه این محیط باید تامین کننده نیازهای مادی، بهداشتی روانی و اجتماعی افراد باشد. محیط مسکونی باید برآورنده نیازهایی چون محافظت، داشتن ثبات و استقلال احساس پیوستگی با طبیعت، تمایل به ابراز وجود، نیاز به زیبایی و هماهنگی اشکال و رنگها، بهره‌مندی از مناظر و چشم اندازهای دلپذیر باشد.

بین حجم واحد مسکونی و حجم ساختمانی که آنرا در بر می‌گیرد باید ارتباطی صحیح برقرار باشد. محیطی که محصور بین ساختمانهای غول آسا و خارج از ابعاد انسانی است از نظر کارشناسان سلامت روانی مناسب نیست. مهمترین مسئله يك محیط ایجاد زمینه مناسب برای انطباق طفل با اجتماع پیرامونش است. نیازهای کودکان در سنین مختلف تغییر می‌کند و محیط مسکونی باید بتواند به نیازهای سنین مختلف پاسخگو باشد.

### **نتیجه‌گیری برای محیط کالبدی:**

برای ایجاد شرایط مناسب زیست، مجموعه‌های مسکونی در هیچ حالتی نباید در مناطقی ایجاد شوند که آلوده هستند، از نورکافی برخوردار نیستند. رطوبت در آنها زیاد است و یا در معرض سر و صداهاي شدید قرار دارند. محیط پیرامون مسکن باید از امکانات چندی برخوردار باشد. اولین نکته وجود



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

فضای آزادی در مجاورت مسکن است که مستقیماً از آن قابل دسترسی است.

فضاهای بازی باید در جایی باشند که بچه‌های کوچک برای دسترسی به آنها ناچار به عبور از مسیرهای گذر و وسایل نقلیه نشوند. در عین حال این فضاها نباید دور از مسیر رفت و آمد طبیعی افراد پیاده باشد.

لازم است در محلات مسکونی محله‌های عبور پیاده جدا از عبور سواره باشد. پیاده‌روی که در معرض سر و صدا و خطرهای آمد و شد سریع است. نمی‌تواند محل مطلوبی برای ملاقات و صحبت همسایگان باشد.

لازم است در یک مجموعه مسکونی مکانی پیش‌بینی شود که امکان گردهمایی افراد محله و برقراری روابط اجتماعی را بدهد. ساختمان ساده چند منظوره‌ای برای این امر کافی است در چنین محلی افراد می‌توانند گرد هم آیند. این محل مکانی است برای مهمانی‌های بزرگ خانوادگی فضای محدود داخل خانه امکان آنرا بوجود نمی‌آورد و بهتر است در جوار مرکز تجاری کوچک محله باشد که نیازهای روزمره ساکنین را برآورده می‌کند.

### **مسکن مطلوب چیست:**

در دوران معاصر یکی از مسائلی که در مورد جامعه بشریت وجود دارد مسئله مسکن مطلوب است. اکنون به دلیل کمبود زمین و گرانی خانه افراد مجبور به بسنده کردن به مساحت‌های کوچک برای مسکن خود هستند و طبعاً فضاهای خانه تا آنجا که ممکن است باید مورد استفاده قرار بگیرد و کارایی داشته



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

باشد. علاوه بر کارایی داشتن و قابل استفاده بودن فضا، مسکن باید از نظر استفاده کنندگان نیز کارایی داشته باشد. مطلوب است؛ یعنی داشتن شرایطی که منطبق با نیازهای استفاده‌کنندگان است یعنی دارا بودن شرایط موارد مورد طلب فردی که از آن پدیده استفاده می‌کند. لغت نامه دهخدا کلمه مطلوب را چنین معنی کرده است:

«درخواست شده و تجسس شده و طلب شده و خواهش شده و تقاضا

شده و لازم شده و ضرور شده و احتیاج داشته شده و هر چیز آرزو شده و خوشایند و مرغوب، مقصود میل و خواهش» مطلوبیت مسکن نیز دقیقاً از همین تعریف ناشی می‌شود و مربوط به انتظاراتی است که هر فرد یا گروه استفاده کننده‌ای از خانه و کاشانه خود داشته و برای ایجاد آن به هر نحو ممکن می‌کوشد. ایجاد مطلوبیت مسکن برای افراد استفاده کننده در شرایط مختلف اجتماعی از جمله وظایفی است که به عهده برنامه‌ریزان، معماران و طراحان مسکن است و معماران موظفند که به دنبال عوامل مؤثر در مطلوبیت مسکن برای افرادی که دارای فرهنگ ملی و یا آداب و رسوم و انتظارات خاص برای خود هستند، باشند. افراد عادی بهترین مطلوبیت را برای خانه وجود روابط مطلوب و صحیح بین افراد خانواده می‌دانند یعنی روابط اجتماعی صحیح بهترین عامل مطلوبیت مسکن است. ولی به هر حال عامل مطلوبیت فضایی نیز در مطلوبیت مسکن بی‌تأثیر نیست و این در واقع وظیفه معمار است که باید وظیفه خود را به بهترین وجه در این باره انجام دهد و در واقع دانش کافی درباره عوامل مؤثر در مطلوبیت را پیدا





جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

کند. بهتر است در اینجا به چند تعریف که صاحب‌نظران درباره خانه داشته‌اند توجه نماییم.

«خانه جایی که ساکنان آن احساس ناراحتی نکنند و اندرون

خانه یا جایی که زن و بچه زندگی می‌کنند می‌بایست تنوع

زیادی داشته باشد تا خستگی احساس نشود.» - پیرنیا -

«خانه پوششی است که در تطابق با برخی از شرایط رابطه

محیطی را بین محیط خارج و پدیده‌های زیستی انسان برقرار

می‌سازد. در خانه باید یک فرد یا یک خانواده زندگی کند.

یعنی اینکه بخوابد، راه برد، دراز بکشد، ببیند و فکر

کند.» - لوکوروبوزیه -

خانه مرکز جهان است برای ساکنانش و برای محله اش شاخص

ترین بنا در تحکیم مکان. - مور -

«خانه در وهله اول یک نهاد است و نه یک سازه و این نهاد

برای مقاصد بسیار پیچیده‌ای به وجود آمده است از آنجا که

احداث یک خانه پدیده‌ای فرهنگی است. شکل و سازمان فضایی آن

به شدت تحت تأثیر فرهنگی است که بدان تعلق دارد. حتی در

آن زمان نیز که خانه برای بشر اولیه به عنوان سرپناه مطرح

بود مفهوم عملکردها در فایده صرف یا فایده عملکردی محض

خلاصه نمی‌شد. وجه سرپناهی خانه به عنوان وظیفه ضروری و

انفعالی مطرح بود و جنبه مثبت مفهوم خانه ایجاد محیطی

مطلوب برای زندگی خانواده به مثابه واحد اجتماعی بود.» -

راپاپورت-

«از میان فضای پیرامونی، خانه بلافصل‌ترین فضای مرتبط به

آدمی است بطور روزمره بر او تأثیر می‌گذارد. اولین فضایی

جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

است که آدمی احساس تعلق فضایی را در آن تجربه می‌کند و مجموع حواس پنج‌گانه دائماً سرتاسر آن را طی می‌کند و در مدت کوتاهی بدان خو می‌گیرند. خانه مکانی است که اولین تجربه‌های بی‌واسطه با فضا، در انزوا و جمع در آن صورت می‌گیرد و خلوت با خود، با همسر و فرزندان، با دوست و دیگران همه و همه بی‌تعرض غیر در آن ممکن می‌گردد. -  
محمدرضا حائری-

حالا به برخی از مفاهیمی که در این تعاریف آمده اشاره می‌کنیم.

اگر در تعریف چهارم دقیق شویم به مفاهیمی چون پدیده فرهنگی و همچنین عبارت ایجاد محیطی مطلوب برای زندگی اجتماعی و واحد اجتماعی بر می‌خوریم.

در تعریف پنجم نیز مفاهیمی چون احساس تعلق فضایی و تجربه‌های بی‌واسطه با فضا را مشاهده می‌کنیم هر دو تعریف به این قضیه اشاره می‌کنند که مسکن فضایی است که انسان در آن مطابق با اصول و تئوری خاص خود به عبارتی فرهنگی، فعالیت‌های خاص خود را می‌گذراند و مسکن مناسب مسکنی است که به بهترین نحوی فضای مناسب با این فرهنگ را بسازد و یا به عبارتی فضای کالبدی واجد شرایط و در برگیرنده‌ای برای فرهنگ و طرز زندگی درست کند.

مسکن یا فضای زندگی از دو جهت باید کارایی داشته باشد یکی از نظر جوابگویی و ایجاد محیط راحتی از جنبه شرایط فیزیکی یعنی ایجاد محیطی با درجه حرارت مطلوب، فشار مناسب، رطوبت معقول و کوران هوا و نور مناسب و نظایر آن و



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

دیگری از نظر جوابگویی به نیازهای معنوی مردم، یعنی ایجاد فضاهای مناسب با طرز زندگی و نوع فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی، این دو شرایط اگر با هم به کاملترین نحوی جمع شود ایجاد مطلوبترین مسکن را خواهند نمود. و اگر هر کدام از این دو جنبه کمبودی داشته باشد مسکن به نحو خوبی پاسخگو نخواهد بود. به عنوان مثال مسکنی که از لحاظ شرایط فیزیکی با بهترین حالت طراحی و با استفاده از بهترین تکنولوژی به حالت بهینه باشد ولی فضایی مناسب با طرز زندگی افراد نداشته باشد به هیچ وجه مطلوبیت نیست و برعکس ایجاد فضایی کاملاً منطبق با شرایط فرهنگی ولی فاقد شرایط زیستی غیرقابل تحمل است.

موضوع مطلوبیت مسکن از لحاظ بیرونی و درونی نیز قابل بحث است به این صورت که از لحاظ درونی همچنان که بحث آن رفت مسکن از لحاظ بیرونی و درونی نیز قابل بحث است به این صورت که از لحاظ درونی همچنان که بحث آن رفت مسکن از لحاظ شرایط فیزیکی و فرهنگی معقول باشد. ولی این مسکن که در رابطه با محیط بیرونی خود نیز باید هماهنگی داشته باشد و بطور قطع مسکنی که از لحاظ شرایط درونی کامل است ولی از لحاظ انطباق با محیط بیرون مثلاً از نظر شرایط فرهنگی انطباق کافی نداشته باشد چندان مطلوب نخواهد بود.

در این حالت فردی که در چنین محیطی زندگی میکند تنها در درون مسکن خود آرامش خواهد داشت و این حالت را اصلاً در مورد فضای بیرونی خانهاش بدست نخواهد آورد. بنابراین هماهنگی محیط بیرون پیرامونی با مسکن نیز از شرایط لازم



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

مطلوبیت مسکن است. در واقع وجود يك بافت مسكوني مطلوب، صحبت درباره مطلوبیت بافت مسكوني در مجال این بحث نیست و در این جا ما به بررسی عواملی که در مطلوبیت مسکن از لحاظ درونی مؤثر است می پردازیم.

### عوامل كلي مؤثر بر مطلوبیت مسکن

الف- از نظر فرهنگی- این مسئله همینطور که اشاره شد یکی از مهمترین مسائل در طراحی خانههای مسكوني میباشد. خانهای که در تقسیم بندی فضایی آن عامل فرهنگ و نحوه زیست مردم رعایت نشده باشد به هیچ عنوان خانه مطلوبی برای ساکنان آن نیست. و چه بسا در اینگونه موارد ساکنین خانه بعد از مدتی مطابق میل خود تغییراتی در پلان داخلی خانه انجام دهند. روی همین اصل معمار باید کاملاً روی فرهنگ و نحوه زیست و آداب و رسوم افراد شناخت پیدا کند و شناخت هر چه بیشتر آن باعث مطلوبیت خانه برای ساکنین خواهد بود. به عنوان مثال داشتن فضاهای مجزا برای جنسهای مختلف و سنین متفاوت، ایجاد عرصه- های عمومی و خصوصی در خانه از عوامل ایجاد مطلوبیت در خانه می باشد.

ب- از نظر اقلیم- هر مسکن برای زندگی نرمال باید از نظر شرایط زیستی مناسب باشد. توجه به وضع اقلیم یکی از موارد لازم در این مورد است. مطابقت با اقلیم محل و مقابله صحیح در مقابل عوامل جوی نامناسب محلی، در ایجاد شرایط مطلوب در خانه بسیار مؤثر است. ساخته شدن خانهها با فواصل معقول برای ایجاد کوران هوای بین ساختمانهای مسكوني یا انتخاب



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

سطح پنجره مناسب با وضع اقلیمی، میزان روشنایی و آفتابگیری کافی برای تک تک فضاهای خانه از مثالهایی است که در این باره میتوان زد.

ج- از نظر آسایش- از عوامل بوجود آورنده آسایش میتوان به این موارد اشاره نمود:

1- بوجود آوردن فضاهای سبز

2- ایجاد فضاهای جداگانه و محفوظ بدون خطر برای بازی

بچهها.

3- دور بودن از راهها و خیابانهای پر ترافیک، فرودگاه،

کارخانه و هر منبع تولید سر و صدا و بوهای ناراحت کننده.

4- کنترل سر و صدا: طراحی ساختمان میتواند به نحوی باشد

تا عملکردهای پر سر و صدا را موجب میشود. برآمدگی زمین،

موانع پوشیده با مصالح بنایی و با دیوارهای حجیم و غیر

قابل نفوذ در مقابل امواج صدا بهترین محافظ را ایجاد می -

کند. طرح معماری میتواند طوری باشد که جهت دادن به امواج

صوت ورود صدا را محدود نماید. این خاصیت میتواند با شکل

دادن به دیوارها، شیبها و تقاطع ساختمان ایجاد شود.

د- از نظر امنیت- احساس امنیت یک نیاز غریزی در انسان

است که در آن نیاز به کنترل محیط انسان بوجود میآورد که

یکی از اهداف طراحی را تشکیل میدهد. کنترل محیط به دو

صورت فیزیکی بصورت نرده، حصار، قفل و نور و زنگ خطر و

کنترل‌های انسانی بصورت نگرهبانی و افراد ساکن محلی و نظایر

میباشد.



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

ه- از نظر زیبایی- معمار با ایجاد يك تركيب زیبا و دلپسند و ساده با توجه به فرهنگ و سلیقه مردم نه با استفاده از سبکهای شخصی و طراحی يك محیط طبیعی و آزاد در رابطه با حفظ محیط طبیعی زمین و ایجاد فضای سبز مناسب با اقلیم محل میتواند به مطلوبیت مسکن از نظر زیبایی بیافزاید.

و- از نظر تکنولوژی- منطبق بودن خانه مسکونی با تکنولوژی روز نیز یکی از عوامل مطلوبیت است به عنوان مثال يك آشپزخانه مجهز با وسایل تهویه خوب و وسایل برقی کارآمد و تأسیسات سرمایش و گرمایش مناسب تأثیر زیادی در مطلوبیت خانه خواهد داشت.

ز- از نقطه نظر روانی- افراد بر حسب خواسته شخصی که از طرز تفکر و آداب و رسوم زندگی نشأت میگیرد و به انتخابهای خاص از قبیل انتخاب رنگ و طرز تزیین و انتخاب فضای زندگی میپردازند، انتخاب فضاهای زندگی چه از نظر عملکردی و چه از نظر زیبایی همگی ریشه در فرهنگ و روان و اندیشه مردم دارد که رعایت آنها ایجاد مطلوبیت از لحاظ روانی خواهد نمود.

### **عوامل مؤثر در مطلوبیت فضاهای خانه:**

این مطلب یکی از بحثهایی است که در مورد طراحی خانه بسیار اهمیت دارد. دقت در طراحی و چیدن فضاها و طراحی داخلی فضاهای خانه هر چقدر بیشتر باشد باعث مطلوبیت و کارایی بیشتر خانه است.



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

احترام به خانواده: خانواده کوچکترین واحد اجتماعی است که ارتباط‌هایی با اعضاء خود و با جهان خارج دارد. هر یک از این ارتباطها، نیازمند فضایی مناسب برای فعالیت‌های فردی و جمعی است که در مسکن رخ می‌دهد. رابطه این فضاها با یکدیگر و با فضای خارج و تناسب آنها با ویژگی‌ها و مختصات و اهدافی که برای خانواده مطرح است و همچنین تناسب آن با فعالیت‌های مرتبط، موضوعاتی هستند که توجه طراحان را طلب مینماید. بنابراین مسکن مناسب، شرایط مناسب را برای زیست ساکنین خویش به عنوان یک واحد بنیادین اجتماعی (خانواده) فراهم می‌نماید. معماران باید با در نظر گرفتن خواسته‌های خانواده در فضا، محل مناسب آن را بوجود آورند. به عنوان مثال یک آشپزخانه خوب طراحی شده و مجهز با استفاده حداکثر از فضا در ایجاد رضایت ساکنین بسیار مؤثر است. همچنین طراحی مناسب سرویس‌ها منطبق با فرهنگ و یا آداب شستشوی خانواده‌های ایرانی و یا ایجاد قفسه و کمد‌های مناسب در نقاط مختلف خانه بسیار اهمیت دارد. طراحی بالکن نیز باید مورد دقت قرار گیرند که در محل مناسب و با ابعاد قابل استفاده ارائه گردد.

احترام به حقوق دیگران: مرعی داشتن حقوق سایر آحاد جامعه از جمله همسایگان تأثیری بسزا در شکلگیری مسکن مطلوب و ارتباط‌های مسکن مطلوب بت یکدیگر خواهد داشت. این به آن معناست که مسکن مطلوب در عین حالی که امکان ارتباط مناسب بین افراد خانواده فراهم می‌آورد از بروز مزاحمت‌های بصری، صوتی، روانی و امثال آن پیشگیری کند.



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

خلوت : خلوت مسکن از ویژگی‌هایی است که به همراه سایر موارد فوق‌الشاره از ضروریات یک محیط مناسب برای زیست انسان به شمار می‌رود . اگر ارتباط انسان با جهان هستی را به روابط چهارگانه ارتباط با محیط‌های طبیعی و مصنوع و جامعه و خویشتن تقسیم کنیم ، وجود خلوت در محیط زندگی ، یکی از مهمترین ویژگی‌های کیفی محیط است که می‌تواند به ایجاد زمینه مناسب " رابطه انسان با خویش " بیانجامد . علاوه بر آن ، آسایش خانواده و فراهم آمدن امکان ارتباط مناسب اعضای آن با یکدیگر و حتی با سایر نزدیکان ، نیازمند خلوت مسکن است . بنابراین می‌توان خلوت را ویژگی خاصی از مسکن دانست که به تناسب نیاز فرد یا افراد و همچنین در رابطه با هر فعالیت ، معنای خاص خود را خواهد داشت . برای مثال فضای خلوت مورد نیاز برای عبادت با خلوت مورد نیاز برای برپایی محافل دوستانه و خانوادگی و یا مطالعه متفاوت خواهند بود .

و ذکر این نکته ضروری است که ایجاد مسکن از لحاظ کمی برای افراد بدون خانه یک قسمت حل مسئله و رفع نیاز مسکن میباشد ولی کیفیت مناسب موردی است که نباید نادیده گرفته شود زیرا نامطلوب بودن مسکن تأثیر مستقیمی در وضع اجتماع و مردم خواهد داشت.





جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

### توجیه فرهنگ جامعه:

مراد از مد نظر داشتن فرهنگ جامعه در تعریف مسکن مطلوب آنست که اگر چه استفاده از تجربیات سایر ملل و تمدن‌ها (اعم از گذشته و معاصر) توصیه می‌شود، این استفاده باید به گونه‌ای باشد که اولاً با بهره‌گیری از آنها، اصول و ارزش‌های اعتقادی و باورهای جامعه تضعیف نگردند، ثانیاً به هویت ملی خدشه وارد نگردد، ثالثاً عامل ترویج افکار و ایده‌های متضاد و مخالف ارزش‌های فرهنگی نباشد و رابعاً این که با معیارهای برآمده از فرهنگ ایرانی ارزیابی و انتخاب شده باشند. تاریخ نشان می‌دهد که تکرار و تقلید الگوهای بیگانه به مرور، جوامع مقلد را نسبت به فرهنگ خویش بیگانه نموده، نهایتاً به استحاله جوامع می‌انجامد. نکته مهم دراتین است که باید توجه داشت که هر یک از مکاتب معماری و شهرسازی بر پایه‌های اعتقادی و فکری استوار است، لکن چون بسیاری، یا به این مبانی توجه ندارند و یا اینکه خود می‌خواهند که مروج مبانی خاصی باشند، دست به تقلید یا ترویج الگوهای بیگانه می‌زنند، تقلید یا ترویجی که خود شکلی از تکرار و در نتیجه بی‌هویتی و از خود بیگانگی است. به عبارت دیگر این تکرار و تقلید به مرور، هویت جامعه را دگرگون می‌کند، از خود بیگانگی و احساس حقارت را در مقابل صاحبان اصلی الگوها را رشد می‌دهد، به ارزش‌ها و اصول فرهنگی

---



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

جامعه اطمه وارد نموده ، در نهایت منجر به استحاله و اضمحلال تمدن و فرهنگی که دست به تقلید و تکرار زده است، می گردد.

پس یکی از مهمترین نیازها، تدوین مبانی نظری معماری و شهر سازی است که اصول بنیادین آن از اعتقادات جامعه سر چشمه گرفته ، به نحوه نگرش جامعه به انسان و حیات او معطوف است.

### **بهره گیری از مختصات مسکن تاریخی:**

یکی از منابع شناخت ویژگی های مسکن مطلوب عبارت از بهره گیری از مختصات مسکن بومی هر فرهنگ و منطقه ای می باشد. لازم به توضیح است که در این مقوله تکرار فرمها و الگوهای مسکن بومی مدنظر نیست، بلکه شناسایی مختصات ارزشی و فرهنگی مرعی داشته شده در انها و جستجوی روش های پاسخگویی به آنها در زمان حاضر و با امکانات در دسترس ، باید هدف اصلی باشد.

### **آموزش:**

آموزش افراد زیربط با امر مسکن یکی از مهمترین ابزار و روش های اساسی و کارآمد شناخت، تدوین و ترویج ویژگی های مسکن مطلوب است. آموزش می تواند از آموزشگاهها آغاز شود. بازآموزی کادر تشکیلات و سازمانهای زیربط (اعم از عمومی و خصوصی) زمینه بعدی خواهد بود. توجه به آموزش دست اندرکاران دیگر امر مسکن همچون سازندگان و طراحان نیز ضرورت دارد. ، مه ایفای این نقش را باید رسانه های عمومی ، اتحادیه ها و مجامع صنفی و حرفه ای عهده دار شوند . مهم این است که قبل از شروع آموزش ، اصول ، معیارها ، مفاهیم



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

، ارزش‌ها و ضوابط باید تعیین و تدوین شده، در دسترس باشند.

### اصول گرایی:

عدم توصیه الگوی واحد برای اقالیم مختلف و خرده فرهنگ‌های متفاوت موردی است که باید مورد توجه قرار گیرد. به بیان دیگر راجع به مسکن مطلوب (به ویژه در مقیاس کلان) به هیچ وجه نباید استاندارد اندیشید. بلکه باید اصول و مفاهیم ارزشی و بنیادین ثابتی را مدنظر داشته، تنها نحوه تجلی کالبد بخشیدن به آن‌ها را در اقالیم، فرهنگ‌ها، امکانات و خواسته‌های متفاوت جستجو کرد.

### الگوسازی:

در جهت ترویج معیارهای مسکن مطلوب و گسترش آن در جامعه، ارائه الگوهای مناسب با ویژگی‌های کمی متفاوت و در اقالیم مختلف موضوعی ضروری است. یکی از زمینه‌هایی که ارائه الگوهای اولیه را فراهم می‌نماید، همکاری آن دسته از تشکیلات و موسسات دولتی و خصوصی است که به ساخت مسکن سازمانی و یا استیجاری مبادرت می‌ورزند. شرکت تعاونی، سازندگان و تولیدکنندگان مسکن در مقیاس انبوه را نیز می‌توان گروه بعدی دانست که می‌تواند در ارائه و ترویج الگوهای مسکن مطلوب ایفای نقش نمایند. لازم به ذکر است که الگوسازی باید جنبه عمومی به خود بگیرد، و در صورت منحصر شدن آن به برخی طرحها، وضع موجود تکرار خواهد شد.

### جامع اندیشی و وحدت گرایی:

جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

همکاری و هماهنگی تمام دستگاهها و نهادهای اجرائی، یکی دیگر از مواردی است که امکان ترویج مسکن مطلوب را فراهم آورده، مشروط بر آنکه هیچکدام افق فعالیت و اهداف را به قلمرو سازمان خویش منحصر و محدود ننموده، به کل کشور و اهداف بلند مدت ملی بیانندیشد. در این حالت است که می توان به تحقق تجلی معیارهای کیفی و همچنین ترویج الگوهای جامع اندیشی و وحدت گرائی (در عین کثرت) مسئلین و دست اندر کاران نسبت به کل کشور، و اجتماع نیز موضوع مهمی است که باید به آن توجه شود. همچنین توجه جامع نسبت به همه جنبه ها و وجوه حیات انسان و نیازهای مرتبط با هر وجه ضرورتی است که جامع معصر به شدت از کمبود آن رنج می برد. در واقع ریشه این نیاز را در تمرکز (فعلی) بیش از حد بر جنبه های مادی و اقتصادی می توان جستجو کرد. بدیهی است که تفکر وحدت گرا جامعیت و کلیت و به عبارت دیگر وحدت در کثرت عالم وجود از تبعات آن هستند نمی تواند موضوع مسکن را به طور انتزاعی و بدون توجه به سایر موارد مرتبط با آن مورد بررسی قرار دهد. لزوم این جامع نگری در ایران اسلامی موضوعیت جدی تری می یابد. زیرا تفکر اسلامی موضوعیات بسیار مهمی را مد نظر دارد که توجه به آنها به عنوان اصول و ارزش های بنیادین و اعتقادی که همه امور به آنها ارجاع می گردند ضرورت دارد، مضافا اینکه جدیت موضوع در ایران به جهت اتصافش به صفت "اسلامی" است که این صفت بیانگر بار فرهنگی غنی، سنگین و شناخته شده اسلام در جهان به شمار می رود و در نتیجه جهانیان انتظار دارند که تجلی فرهنگ، باورها و عقائد



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

اسلامی را در فراورده های فکری و کالبدی این مرزو بوم مشاهده کنند و طبیعی است که یکی از مهمترین این تولیدات و دستاوردها معماری و شهرسازی (محیط زندگی انسان) است.

### اصلاح تلقی جامعه نسبت به معماری :

نتیجه گیری این موضوع مهم باید مورد عنایت قرار گیرد که به معماری نباید به عنوان یک صنعت و آن هم ساختمان سازی نگریست، بلکه معماری مجموعه ای است از "حکمت" و " هنر" که بر مبنای اصول و مفاهیم و ارزش های اعتقادی و فرهنگی هر جامعه استوار بوده، فنون، صنایع و مصالح در دسترس در خدمت تجلی کالبدی یافتن مفاهیم و اصول قرار می گیرند.

با عنایت به مراحل سه گانه طرح شده، ویژگی های کیفی مسکن مطلوب، مبانی طراحی و روش های تحصیل آنها و با توجه به مسائل مبتلا به جامعه، موضوعات زیر به عنوان خلاصه نتایج مستخرجه از نوشتار، مورد اشاره قرار می گیرند:

از انجایی که به تناسب قلمروهای انسان (قلمروهای مادی، روانی و معنوی) نیازهای او نیز متفاوت هستند، مسکن و عوامل مربوط به آنها نیز نباید صرفاً به عنوان سرپناه و پاسجگوی نیازهای مادی انسان مطرح نظر قرار گیرند. بلکه توجه به آن دسته از ویژگی های کیفی مسکن نیز که تأمین کننده نیاز های روانی و معنوی انسان باشند ضرورت دارد. ویژگی های کیفی مرتبط با مسکن را در موضوعاتی چون "صفات" و "امکانات" مسکن، و انتظارات از آن می توان مورد توجه قرار داد، که اهم عناوین مرتبط با آنها عبارت از ملحوظ داشتن شأن انسان از طریق توجه به قلمرو های متفاوت حیات



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

وی، آرامش، امنیت و ایمنی، محرمیت، خلوت، ارتباط با طبیعت، احترام به حقوق دیگران، وحدت جامعه و احترام به خانواده به شمار می‌رود.

با مذاقه در صفات و امکانات مرتبط با جنبه‌های کیفی مسکن و همچنین با انتظاراتی که از تأثیر مسکن بر مقولات اجتماعی می‌رود، دستیابی به مبانی طراحی امکان‌پذیر خواهد بود که به نوبه خود مشتمل بر اصولی است. این اصول در هر فرهنگ و جامعه‌ای تعاریف خاص خود را دارد و در رابطه با قلمروهای مختلف حیات انسان نیز مصادیق و معانی متفاوتی را به نمایش می‌گذارد.

اهم این اصول را تحت عناوینی چون مقیاس انسانی، کلیت، سلسله مراتب، هماهنگی، درونگرایی، مکانیابی مناسب و تعادل می‌توان مورد بررسی قرار داد.

در عین مرعی داشتن مبانی طراحی مسکن مطلوب، اتخاذ تدابیری نیز ضرورت دارد تا به این وسیله، اولاً توجه مجریان امر به ویژگی‌های مسکن معطوف شده و ثانیاً این ویژگی‌ها به جامعه نیز معرفی شده، امکان تلقی صحیحی در مورد معماری و مسکن در جامعه فراهم آید. این تدابیر ذیل موضوعاتی چون اتخاذ سیاست‌های مناسب، توجه به فرهنگ جامعه، بهره‌گیری از مختصات مسکن تاریخی، آموزش، اصولگرایی، و اصلاح تلقی جامعه نسبت به معماری قابل طبقه‌بندی هستند.

با توجه به موارد فوق‌الشاره، تبیین فرایندی برای طراحی مسکن پیشنهاد می‌شود که طی آن، قلمروهای مختلف حیات انسان و زمینه‌های مرتبط و پاسخگو به هر کدام با توجه به ارزش



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

های فرهنگی و کیفی مدنظر قرارگیرند. تدوین مبانی نظری معماری مسکن یکی از مهمترین مراحل این فرایند خواهد بود که می تواند به عنوان منشأ مغایری برای طراحی و همچنین ارزیابی ها مورد استفاده قرار گیرد. این ارزیابی ها اعم از ارزیابی وضع موجود، ارزیابی طرحها و برنامه ها ، و ارزیابی آراء و الگوهای وارداتی از ممالک و فرهنگ های دیگر خواهد بود. در دسترس بودن این مبانی نظری و معیارهای مورد نظر ، علاوه کمک به طراحی و برنامه ریزی، امکان هدایت سیاست های مربوطه در مسیر صحیح را نیز فراهم آورده ، در زمینه های آموزش(به ویژه آموزش جامعه و اصلاح تلقی مردم) نقشی ارزنده ایفاء نماید.

## مبانی طراحی

تجلی ویژگیهای کیفی فوق الذکر در مسکن و محیط مسکونی مناسب زیست ، رعایت اصولی در طراحی و برنامه ریزی مسکن را طلب می کند که از طریق مرعی داشتن آنها امکان تجلی بخشیدن به مسکن مطلوب فراهم می گردد . این اصول در واقع پاسخگویی ویژگیهای مذکور در بحث فوق به شمار می رود . با این توضیح ضروری که هر اصل ، فراهم آورنده زمینه تجلی یک یا چند ویژگی خواهد بود به نحوی که ارتباط های فشرده و در هم تنیده های بین ویژگی های مسکن مطلوب و این اصول وجود خواهد



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

داشت ، که البته همه ارتباطات از شدت و ارزش یکسانی برخوردار نیستند . در زیر به برخی از آنها اشاره میشود :

### مقیاس انسانی :

تعیین درجه و مرتبه انسانی بودن هر پدیده را در دو قلمرو اصلی معنوی ( روحانی ) و مادی ( فیزیکی ) انسان می توان مورد تجزیه و تحلیل قرارداد . در مورد قلمرو مادی ( به ویژه در معماری و شهرسازی معاصر ) بسیار سخن رفته است و آنچه که مورد غفلت قرار گرفته توجه به قلمرو حیات معنوی و روحانی است . با این حال به پیروی از تعالیمی که انسان را متشکل از دو حیات معنوی و مادی معرفی مینماید و از آن فراتر ، برای بعد معنوی وی ارجحیت قائل است . ساخته ها و عناصر محیطینیز باید از این اصل تبعیت نموده ، در خدمت انسان قرار گیرند . در این مقوله تناسب و هماهنگی ابعاد ابنیه و فضاها با توان روانی انسان ، از اهمیت ویژه ای برخوردار است ضمن آن که اطلاعات واصله از محیط به انسان باید وی را در جهت تعالی و رشد ، هدایت و همراهی نماید .

به عبارت دیگر توجه توأم به نیازهای مادی و معنوی انسان موضوع بنیادینی است که مرعی داشتن آن بر تفسیری که در مورد غالب مبانی طراحی به عملی آید تأثیر خواهد داشت .

مقیاس انسانی مورد نظر در معماری مسکن را در مقولاتی همچون تناسب ابعاد فضاها با ویژگیهای روانی و فیزیولوژیکی انسان ، درجه نفوذ پذیراصوات مزاحم در





جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

مقایسه با توان تحمل انسان ، درجه نفوذ آلودگی هوا در  
مقایسه با وضعیت مجاز ، چگونگی تنظیم

شرایط محیطی با ویژگی های فیزیولوژیکی انسان ، و در میزان  
پاسخگویی مسکن به ارزش های فرهنگی ساکنین آن می توان  
جستجو نمود .

### کلیت:

توجه انتزاعی به مسکن بدون توجه به اولاً عناصر مکمل آن به  
عنوان فراهم آورندگان محیط مناسب سکونت و ثانیاً بی  
التفاتى به ارتباط آن با فضاهای مجاورش موضوعی است که در  
تقابل با نگرش وحدت‌گرایانه ای است که علیرغم وجود کثرت  
عناصر و اجزا محیط در پی ایجاد وحدتی معنوی و کالبدی در  
محیط است. بنابراین در طراحی مسکن توجه به اصل وحدت در  
کثرت و مد نظر داشتن توأم کلیه موضوعات مرتبط با  
سکونت، موضوعی است که نباید از آن غفلت شود. مرعی داشتن  
کلیت در معماری مسکن مستلزم توجه به مباحثی است که از  
جمله آن عبارتند از: توجه توأمان به جملگی نیازهای مادی و  
روانی و معنوی انسان ، ملحوظ داشتن ارتباط و تناسب ویژگی  
های مسکن مورد نظر با عملکرد و اشکال مجاور، مرعی داشتن  
تأثیر شرایط محیطی بر معماری مسکن ، توجه داشتن به تاریخ  
و همچنین نگرش به آینده به همراه داشتن نیازهای روز ، و  
بطور خلاصه توجه همزمان و متوازن به کلیه عناصر و عوامل  
مرتبط با مسکن و محیط (انسان، محیط طبیعی و محیط مصنوع) و  
جملگی جزئیات و روابط مربوط به آن ها .

### ساسله مراتب:



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

صل سلسله مراتب که ارتباط قلمروهای مختلف محیط زندگی را از عمومی تا خصوصی (عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی) تعریف و تعیین می کند به دلیل ویژگی های مسکن که آنرا "حرم" نامیده اند از اهمیت خاصی برخوردار است. در رابطه با مسکن ، سلسله مراتب را می توان در دو درجه بیرونی و درونی مورد مذاقه قرار دارد. سلسله مراتب بیرونی به ارتباط داخل مسکن با سایر فضاها و عملکرد می پردازد، در حالی که سلسله مراتب درونی بر تعیین ارتباط عناصر داخل مسکن با یکدیگر متمرکز است. در ارتباط فضاهای داخلی نیز اهمیت سلسله مراتب کمتر از ارتباط مسکن با خارج نیست. چنانچه توصیه شده است که از سنینی که خوابگاه دختران و پسران خانواده از یکدیگر جدا شود و همچنین کودکان باید برای ورود به محل استراحت والدین از آنها اجازه بگیرند، تأثیر اصل سلسله مراتب بر معماری مسکن ، به تبیین مراتب بر معماری مسکن ، به تبیین مراتب و نحوه ارتباط قلمروهای مختلف (عمومی ، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی) می پردازد وحد، و تحریم، فضاها و عناصر ارتباطی هر یک را تعیین می نماید. ضمن آنکه در هر قلمرو نیز به جزئیات بیشتری توجه داشته ، ارتباط اجزاء و عناصر آن با یکدیگر و با سایر قلمروها را مورد توجه قرار می دهد.

### هماهنگی:

هماهنگی موضوع بنیادی است که رعایت آن در طراحی مسکن، خواهد توانست علاوه بر کمک به ایجاد مسکن مناسب، در ایجاد و نمایش های محیطی ، کالبدی و بصری نیز در خور توجه



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

ایفا نماید. بدون دخول به مبانی و اثرات هماهنگی، به برخی زمینه هایی که هماهنگی در آنها ضرورت دارد بسنده می شود. هماهنگی ویژگی های محیط مصنوع با مختصات و روانی و فیزیکی انسان، هماهنگی عناصر انسان ساخته با طبیعت و اقلیم، هماهنگی عناصر و عملکردهای مجاور، هماهنگی فرم ها و اشکال، هماهنگی مصالح با یکدیگر که باید بین (نیازها و مختصات) انسان، محیط طبیعی، مسکن و شهر برقرار دارند. هماهنگی مورد نظر در معماری مسکن به مقولاتی همچون هماهنگی فضاهای همجوار، هماهنگی ابعاد، تناسبات و اشکال، هماهنگی عملکردها و اشکال، هماهنگی معماری با اقلیم و با تاریخ، هماهنگی عمارت با ارزش های فرهنگی، و بالاخره هماهنگی جملگی آنها با ابعاد مختلف حیات انسان می پردازد.

### درونگرایی:

در پاسخ به بعضی معیارهای مطرح شده در مورد مسکن مطلوب همچون محرمیت، خلوت و ارتباط با طبیعت، یکی از مهمترین اصول، رعایت درونگرایی است. این اصل فی الواقع بر گرفته از عناصر تاریخی معماری ایران است که اکثریت قریب به اتفاق عناصر شهری و معماری، مظهر آن بوده اند. علاوه بر معیارهای مطروحه، توجه به بسیاری از ارزش های اسلامی نیز در درونگرایی نهفته است، همچون: توجه به درون (باطن) بیش از بیرون (ظاهر) توجه به حیا، عدم تفاخر، ریا و خود نمایی، پرهیز از برهنگی و خودآرائی، و از بین بردن زمینه رشد عجب، تقویت وحدت جامعه، و نمایش وحدت کالبدی، ضمن آنکه به تعبیر بوکهارت خانه درونگرایی مسلمین رو به آسمان دارد



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

این شیوه معماری علاوه بر اینکه بطور نمادین، توجه انسان به خدا، و پشت کردن به دنیا را به نمایش می‌گذارد، نمایشی از پاسخ به سیر در انفس و در درون خویش است که به تبعیت از تعالیم قرآنی، همواره مورد توجه عرفای مسلمان بوده است. تأثیر درونگرایی مورد نظر، بر معماری مسکن، دگرگونی در نحوه نگرش به معماری و همچنین تحول در فرم‌ها، سبک‌ها و الگوهای رایجی را طلب می‌نماید که طی دهه‌های اخیر رشد یافته، سبب طرد و انزوای معماری مسکن علاوه بر نحوه ارتباط داخل عمارت با فضای خارج که عمدتاً بر ارتباط داخل عمارت با فضای خارج که عمدتاً بر ارتباط مستقیم با حیات خصوصی و یا فضایی نیمه خصوصی استوار است. در زمینه‌های دیگری نیز می‌توان مورد پی‌جویی قرار داد که اهم آنها عبارتند از: فقدان ارتباط مستقیم دیداری (و حتی حداقل ارتباط صوتی بویایی) بین درون مسکن و فضای عمومی، ارتباط پیچیده و حداقل فضای کاملاً خصوصی با خارج، تنظیم ارتباط فضاهای داخل مسکن با یکدیگر بسته به استفاده‌کنندگان آن‌ها و سادگی نمای بیرونی.

### **تعدادل:**

تعدادل به عنوان بارزترین ویژگی و اصل حاکم بر عالم وجود که مشتق از عدل می‌باشد، اصلی است که رعایت آن در هر گونه طرح و برنامه‌ای اولاً توصیه شده و ثانیاً می‌تواند فراهم آورنده امکان تجلی بسیاری ارزش‌ها و مفاهیم و معیارهای دیگر باشد. در ارتباط با مسکن رعایت تعدادل در زمینه‌های زیر اهمیت بیشتری دارد:



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

تعادل در پاسخگویی به نیاز های مختلف (مادی، روانی و معنوی) انسان، حفظ و تقویت تعادل های محیطی، تعادل در پاسخگویی به نیاز های توأم فرد و جامعه، تعادل در مصرف منابع طبیعی، و تعادل در فرهنگ و الگوی مصرف. مضافا اینکه تعادل (به تبعیت از اصل عدل) در جای خود قرار گرفتن هر چیز و کل مسکن را به نحوی که بهترین بازدهی معنوی و مادی را داشته باشد به طراح یا سازنده القا می نماید. تعادل مورد نظر را در مباحث مختلف معماری مسکن می توان مطرح نمود، از جمله: در توجه متعادل به نیازهای مختلف انسان در استفاده در الگو های آشنا و هندسی متعادل مثل تقارن، در حفظ و تقارن، در حفظ و تقویت تعادل بین اشکال و معماری مسکن با توجه به زمان و فرهنگ جامعه، در حفظ تعادل محیط با عنایت به تلفیق مناسب محیط متبوع و طبیعت، و در اجتناب از اعتدالی که بر انسان و محیط، اثر نا مطلوب و مخرب داشته باشد.

### **مکانیابی مناسب:**

محیط شهری متشکل از بسیاری فعالیت ها و عملکردهایی است که به هر حال لازمه زندگی جمعی و شهری هستند. برخی از این فعالیت ها مزاحمت هایی با یکدیگر دارند که این مزاحمت ها ممکن است دائمی باشد و یا اینکه بسته به زمان و مکان از شدت و ضعف متفاوتی برخوردار باشند. فی المثل مجاورت یک بیمارستان و یک مدرسه در شب با یکدیگر مزاحمتی ندارند، همانگونه که مزاحمت یک بزرگراه با مسکن در طول روز آن شدتی را که شب هنگام دارد به نمایش نمی گذارد. با این



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

حال با توجه به جمیع جهات باید مسکن و رابطه مناسب آن نسبت به سایر عملکردهای عمومی شهر تعریف و مشخص شود. مرعی داشتن مکانیابی مناسب در مقولات متعددی قابل بررسی است مه اهم آنها عبارتند از:

مکانیابی مناسب مسکن نسبت به سایر عملکردهای شهری، مکانیابی مناسب ساختمان و فضای باز یک واحد مسکونی نسبت به ساختمان و فضای باز سایر ابنیه همجوار و نسبت به معبر. مکانیابی مناسب فضاهای داخلی مسکن نسبت به یکدیگر و نسبت به فضای خارج (اعم از خصوصی و عمومی)، و مکانیابی مناسب اجزاء ساختمان همچون درها و پنجره ها و امثال آن .  
در زمینه تبیین و تدوین مبانی و اصول طراحی مسکن مطلوب، بسیاری از اصول دیگر (مثل توجه به خرده فرهنگ ها ، جدایی از عملکردهای مزاحم، مصالح مناسب و استحکام) نیز قابل معرفی هستند که به جهت احتراز از اطاله کلام از ذکر آنها خودداری می شود.



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

و الله جعل لكم من بيوتكم سكناً ...»

و خدا برای سکونت شما منزل هایتان را قرار داد .

(قرآن کریم ، سورة نحل : آیه 80 )

با ظهور انقلاب و افزایش جمعیت شهرها ، کمبود و بحران کیفی و کمی مسکن ، سال های مديدي موضوع اصلي تحقیقات، بررسی ها و اظهار نظرهای دست اندر کاران فرهنگی و علوم مختلف از جمله معماری و شهر سازی ، علوم اجتماعی ، اقتصادی و حتی سیاسی بوده است . این بحران در دهه های اخیر متوجه شهرهای ایران نیز گردیده و روز به روز بر شدت و توجه به آن افزوده می شود . علاوه بر افزایش تقاضا برای مسکن که عمدتاً ناشی از افزایش جمعیت شهرها است ، عوامل دیگری نیز به این بحران دامن می زنند ، از جمله : تقاضا برای ارتقاء کیفی مسکن ، دگرگونی در شیوه های ساخت ابنیه ، قیمت بالای زمین های شهرها ، استاندارد اندیشیدن نسبت به ویژگی های کمی مسکن ، رسوخ و گسترش الگوهای زیست بیگانه ، رواج مد گرایی و تهییج مصرف ، و به طور خلاصه ، تمرکز بر جنبه های مادی حیات ، همه اینها موجب می گردد تا دست اندر کاران مجبور به اتخاذ تصمیماتی در جهت تامین مسکن برای در صد بالایی از جمعیت جامعه با عناوین و برنامه های خاصی مثل مسکن ارزان قیمت ، مسکن حداقل ، مسکن بهینه ، مسکن کارگری ، و مسکن برای اقشار کم در آمد گردند . نکته بارز در این گونه برخورد با مسئله در این است که غالب معیارهایی که برای



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

ارزیابی مساکن موجود و طرح‌ها و همچنین تامین کمبودها و تدوین برنامه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند معیارهای کمی هستند که آن‌ها هم محدود و منحصر به معیارهای اقتصادی می‌گردد، و معیارهای کیفی و عمدتاً معیارهای فرهنگی، معیارهای مهجوری به شمار می‌روند.

برای بررسی و اظهار نظر در مورد ویژگی‌های هر پدیده‌ای در جهان روش‌های گوناگونی مطرح است که عمدتاً از اصول حاکم بر جهان بینی و باورهای جامعه نشأت می‌گیرند. شاید با اندکی تسامح بتوان روش‌ها را در دو گروه عمده طبقه‌بندی کرد: گروهی که هر پدیده، مفهوم و عنصری را در جهان به صورت انتزاعی و منفک از دیگران و تنها با توجه به کارکرد، ارزشها و هویتی که بر آن مترتب است مورد مذاقه قرار می‌دهد، و گروهی که آنها را در ارتباط با سایر پدیده‌ها، اجزاء، عناصر، مفاهیم و با کل‌های موجود در جهان و نهایتاً با توجه به هدف غایی عالم هستی مورد توجه قرار می‌دهد. پایه اعتقادی گروه دوم که مورد نظر این نوشتار نیز به شمار می‌رود عمدتاً (و نه مطلقاً) برپایه وحدت‌گرایی کاینات که از وحدانیت خالق سرچشمه می‌گیرد استوار است. در این تفکر، هیچ پدیده‌ای را نمی‌توان به صورت منتزع و جدای از سایر اجزاء عالم وجود مورد بررسی قرار داد. به ویژه موضوعاتی که به نحوی به انسان مربوط است. چرا که هدف غایی خلقت (کمال) انسان است. این سخن به معنای آن است که در بررسی‌ها، لااقل، هدف غایی خلقت و همچنین اجزاء و کلهایی که در ارتباط مستقیم با هر شی‌ی بوده، آن





جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

را در رسیدن به هدفش یاری می‌رسانند و یا باید یاری رسانند باید مورد توجه و امعان نظر قرار گیرند . توجه با این نظریات از آن جهت اهمیت دارند که انسان را به نتیجه برنامه و عملی که با الهام از هر یک از روش‌ها انجام می‌دهد آگاه نمایند . فی المثل ، تبیین این روشها هشدار است به محققین و مجریان که در صورت تمایل به تبیین مبانی نظری و اجرا و تجلی محیط اسلامی ( و از جمله مسکن مطلوب اسلامی) چاره ای جز طی طریق بر مبنای جهانبینی و تفکر اسلامی وجود نخواهد داشت . ضمن آن که نمی‌توان و نباید هیچ یک عناصر جامعه اسلامی ( اعم از عناصر اسلامی ، کالبد و فرهنگی ) را منفک از سایر عناصر ، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده یا این که عنصری بیگانه را بدون شناخت لازم و استحالة آن وارد این مجموعه نموده ، سایر عناصر را از آثار نا مطلوب احتمالی آن مصون نگهداشت .

به طور کلی در جهت تحصیل در جهت تحصیل مسکن مطلوب ، ابتدا به معرفی مختصات کیفی مسکن مطلوب اشاره خواهد شد ، سپس بر اساس این مختصات به اصولی اشاره خواهد شد که مجموعاً این اصول را می‌توان مبانی طراحی مسکن مطلوب نامید ، و در نهایت مجموعه روش‌هایی که امکان تجلی مختصات کیفی مسکن مطلوب را در جامعه ، فراهم می‌آورند معرفی خواهند شد .

**ویژگی کیفی مسکن مطلوب**



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

معیارهای مسکن مطلوب به این محدود نمی‌گردد که سرپناه و حافظ انسان در برابر شرایط نامساعد جوی و گزند حیوانات و احتمالاً آسیب‌همنوعانش باشد. و یا قیمت کم و یا مناسبی داشته باشد، و یا این که تامین آن برای هر کس مقدور باشد. همه اینها لازمند، لکن کافی نبوده و همه مسائلی نیستند که در تعریف مسکن مطلوب باید به آن‌ها توجه شود. یکی از نکات ضروری و بسیار مهم آن است که مسکن باید محل و فضایی فراهم آورنده آرامش، آسایش و سکینه برای ساکن خویش باشد. مسکن نه تنها باید شرایطی را داشته باشد تا خانوارها از نظر اقتصادی توان تهیه آن را داشته باشند، باید شرایطی را داشته باشد که بتواند به عنوان محل امن، سکنی و آرامش انسان عمل نماید. اگر برخی عوامل مرتبط با مسکن مثل الگوی ساخت و نوع مصالح (و حتی زمین) ثابت و به عنوان ارزش فرض شوند و مدها بر آن حاکم باشند، و از سویی میزان بودجه در اختیار برای تهیه باشند، و از سویی میزان بودجه در اختیار برای تهیه مسکن نیز ثابت باشد ناچار دایماً از ویژگی‌های کیفی و وسعت آن کاسته شده، عنوان خانه ارزان قیمت و مسکن اقشار کم در آمد و امثال آن را به خود می‌گیرد. در حالی که اگر برای مسکن به صورت عام شرایط، ویژگی‌ها و خصوصیات تدوین شود، می‌توان بسته به زمان و مکان و شرایط، تصمیم صحیح و مناسب را در طراحی و ساخت مسکن مطلوب اتخاذ نمود. چنان چه در معماری تاریخی مسکن نیز چنین بوده است و فی الواقع اصول حاکم بر مسکن خانه‌های وسیع با اصول شکل‌دهنده خانه‌های کوچک ثابت بوده

جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

است . حتی عده ای دامنه این وحدت اصول و معیارها را توسعه داده ، معتقدند که اصول ثابتی بر کل معماری و شهر سازی مجتمع های تاریخی مسلمین حاکم بوده است . در حالی که امروزه موضوع کاملا بر عکس شده ، آن چه که ثابت است توجه به موضوعات مادی است . با این حال برای مسکن و عوامل مربوط به مقوله سکونت دو دسته ویژگی اصلی را می توان مطرح کرد : دسته اول مشتمل بر ویژگی های اثباتی که مرئی داشتن آن توصیه می شود و دسته دوم ویژگی های سلبی هستند که حذف و یا عدم اجازه به ظهورشان ضرورت دارد . لازم به ذکر است که هر دوی این ویژگی های اثباتی و سلبی نیز به نوبه خود مشتمل بر مقولاتی جزئی تر هستند که از جمله آنها عبارتند از : صفات مسکن ( مثل امنیت و ایمنی ، خصوصیت ، آرامش و امثال آن ، امکانات مسکن ( از قبیل امکان ارتباط انسان با طبیعت ، امکان مرتفع شدن نیازهای انسانی ، و امکان دسترسی به منابع تامین کننده نیازها ) و انتظارات از مسکن یا تاثیر مسکن بر مقولات اجتماعی ( مانند ترجیح هویت جمعی به هویت فردی ، احترام به حقوق دیگران ، کمک به وحدت جامعه و امثال آن ) به شمار می رود . البته در این نوشتار عمدتا به ویژگی های گروه اول (ویژگی های اثباتی) اشاره خواهد شد زیرا ملحوظ داشتن این ویژگی ها عمدتا به عنوان عاملی در جهت حذف ویژگی های نامطلوب عمل خواهند کرد . فی المثل توجه به هویت جمعی و هماهنگی ، به عنوان عاملی در جهت حذف پدیده و صفت نامطلوب " از خود بیگانگی" خواهد بود . نکته دیگر این که ویژگی های مشروحه زیر ، علاوه بر ویژگی های



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

کمی و مادی ( همچون استحکام ، قیمت مناسب و امثال آن ) هستند که برای مسکن مطلوب و مناسب زیست مطرح است .

**- توجه به انسان :** مهمترین موضوعی که در ارتباط با مسکن باید مورد توجه قرار گیرد ، انسان است . انسان ، به تبع طبیعت ثلاثه خویش (متشکل از بدن ، نفس و روح) نیازهای سه گانه ای نیز دارد که هر یک از این نیازها به قلمرو خاصی از حیات تعلق داشته فراهم آوردن زمینه پاسخگویی به هر کدام ، به تناسب اهمیتی که دارد ، برای ایجاد زمینه تحصیل زندگی و حیاتی طیب و سازگار با طبیعت و فطرت انسان ضرورت دارد . به نظر می رسد آنچه که در وهله اول اهمیت دارد ، تأمین توأمان نیاز های مادی (پاسخ به کالبد)، نیاز های روانی (پاسخ به روح ) انسان است . در حالی که تمرکز اصلی بسیاری تفکرات و الگوهای زیست معاصر بر جنبه های مادی حیات انسان است . این گونه نگرش به انسان و تفکیک کامل این قلمروها اشکالات عدیده ای دارد ، از جمله این که : با تفکر وحدتگرا در تضاد و تباین است ، الگویی وارداتی و غربی می باشد ، الگویی مروج مصرف و مد بوده ، ریشه ای در فرهنگ ایرانی ندارد ، و به صورت اجمال اینکه این تمرکز بر جنبه مادی حیات ، نه تنها نخواهد توانست انسان را به منزل مقصود برساند ، او را در وادی مادیت و دنیا متوقف و زمین گیر خواهد کرد .

راه صحیح آن است که قلمروهای مختلف حیات انسان ، با یک دید متعادل و هماهنگمورد توجه قرار گیرند و بدون غفلت از



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

رعایت سلسله مراتب حیات ، که هر جنبه ای را در خدمت قلمرو مافوق خود می داند ، هدف اصلی ، تعالی معنوی و روحانی انسان و آمادگی اوبرای رسیدن به قرب الهی باشد . اصل سلسله مراتب در بسیاری شقوق دانش بشری از جمله مراتب عالم وجود مورد بحث است که از ذکر جزئیات آنها اجتناب شده ، ضمن احاطه خواننده به آن منابع ، به توضیح این مطلب بسنده می شود که صاحب نظران در این زمینها عقیده بر این است که اولاً هر مرتبه ای از وجود باید در جهت کمال و برای وصول به مرتبه بالاتر ( از درجات نازل مادی تا مراتب عالی معنوی ) عمل کند. ثانیاً در جهت همین تکامل است که اصولاً برای وصول به درجات بالاتر طی مراتب مادی مادون آنها ضرورت دارد ، چنان که گفته اند : و این حجاب بزرگ فطرت است که باید سالک الی الله به قدم معرفت آن را خرق کند و تا به این مقام نرسد حق ندارد که ایاک نعبدگوید یعنی لایطلب الا ایاک .

بنابراین مسکن می تواند در عین حالی که زیاده از حد متکبرانه ، خود نمایانه ، چشم پرکن و متمرکز بر پاسخگویی به نیازهای مادی که غالباً نیز راه افراط می پویند ، نباشد به نیازهای مادی و معنوی انسان در حد مطلوب پاسخ دهد . با این حال این وظیفه برنامه ریزان و طراحان است که پاسخگویی به جنبه های مختلف را هماهنگ و همراه نموده ، جامعه را از تمرکز صرف بر جنبه های مادی حیات بر حذر نموده ، بالعکس مردم را به توجه توأم جنبه های مختلف حیات خویش ترغیب و هدایت نمایند .



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

**- امنیت و ایمنی :** ویژگی‌های معماری مسکن مطلوب باید به گونه ای باشد که درجات مختلف امنیت را برای ساکنین فراهم آورد . این امنیت اعم از امنیت در مقابل بلایا و سوانح طبیعی و غیر طبیعی ، امنیت در برابر تجاوز سایر آحاد جامعه ، امنیت در برابر اثرات ناشی از فعالیت‌های انسانی و سایر جنبه های امنیت به شمار می رود . در جهت تأمین امنیت ،

منظور داشتن عوامل زیر توصیه می شوند : مکانیابی مناسب مسکن نسبت به سایر عملکردهای شهری ، انتخاب مصالح مناسب که الزاماً مصالح گرانقیمت نیستند ، اتخاذ روش‌های مناسب ساخت ، پیش بینی تمهیدات لازم برای تقلیل خسارت به هنگام وقوع سانحه و مکانیابی مناسب مسکن در ارتباط با عملکردهای مولد انواع آلاینده ها به ویژه آلودگی هوا و آلودگی صوتی .

**- محرمیت :** مصون بودن فضاهای داخلی مسکن از دید بیگانگان موردی است که آسایش خانواده سخت به آن وابسته است . در واقع ، مسکن به عنوان محل امن و آرامش خانواده باید به گونه مناسب از مشرف قرار گرفتن در امان بماند . مورد دیگری که در این رابطه مطرح است ، ارتباطات صحیح فضاهای داخلی است به گونه ای که اولاً غریبه ها بر فضاهای داخلی تسلط نداشته باشند و ثانیاً قلمرو اعضای خانواده ( والدین و فرزندان دختر و پسر ) نیز به طریق مناسب از یگدیگر تفکیک شوند . بنابراین محرمیت مورد نظر برای مسکن مطلوب عبارت از مصون بودن فضای داخل مسکن از دید بیگانگان است . برای مثال مکان‌هایی از مسکن مثل حیاط یا محل اجتماع خانواده و

جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

فعالیت‌های فردی باید از دید و دسترسی بیگانه در امان باشد . در حالی که اطاق‌های فردی ( مثل اطاق خاص والدین ) باید از دید سایر اعضاء خانواده نیز به دور باشد .

**– آرامش :** آرامش اعضاء خانواده کیفیت مهمی است که توجه به آن ضرورت بنیادینمسکن مطلوب است . انسان از جهات بسیاری به آرامش نیازمند است که این جهات ، ناشی از قلمروهای مختلف حیات انسانی است . انسان برای عبادت نیازمند مکانی آرام است تا حضور قلب لازم برایش فراهم گردد . همچنین یکی از لوازم اصلی تفکر به عنوان فعالیت توصیه شده در فرهنگ اسلامی ، وجود فضایی آرام است . مطالعه و کسب دانش و بهره گیری از وسایل ارتباط جمعی نیازمند آرامش است . فراهم آمدن امکان گفتگوهای خانوادگی و تحکیم مبانی آن به وجود آرامش بستگی تام دارد . علاوه بر آن برای انجام بسیاری از فعالیت‌های فردی و جمعی دیگر از جمله استراحت و تماس‌های رو در رو با اقوام و دوستانو همسایگان ، وجود محیطی آرام ضرورت دارد . ایجاد محیطی آرام در مسکن نیز به عواملی همچون مکانیابی مسکن نسبت به سایر عملکردها ، مصالح مصرفی ، سلسله مراتب بین درون و برون و ... بستگی تام دارد .

**– خلوت :** خلوت مسکن از ویژگی‌هایی است که به همراه سایر موارد فوق اشاره از ضروریات یک محیط مناسب برای زیست انسان به شمار می رود . اگر ارتباط انسان با جهان هستی را به روابط چهارگانۀ ارتباط با محیط‌های طبیعی و مصنوع و



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

جامعه و « خویشتن » تقسیم کنیم ، وجود خلوت در محیط زندگی ، یکی از مهمترین ویژگی‌های کیفی محیط است که می‌تواند به ایجاد زمینۀ مناسب " رابطه انسان با خویش " بیانجامد . علاوه بر آن ، آسایش خانواده و فراهم آمدن امکان ارتباط مناسب اعضای آن با یگدیگر و حتی با سایر نزدیکان ، نیازمند خلوت مسکن است . بنابراین می‌توان خلوت را ویژگی خاصی از مسکن دانست که به تناسب نیاز فرد یا افراد و همچنین در رابطه با هر فعالیتی ، معنای خاص خود را خواهد داشت . برای مثال خلوت مورد نیاز برای عبادت با خلوت مورد نیاز برای برپایی محافل دوستانه و خانوادگی و یا مطالعه متفاوت خواهند بود .

**– امکان ارتباط با طبیعت :** آن چه از بحث کلیت ( مطروحه در مقدمه ) و همچنین تأکید تعالیم اسلام بر تفکر ، تدبر و تعقل در طبیعت و عناصر طبیعی به عنوان آیات الهی ، می‌توان استنتاج کرد ، توجه به طبیعت و عناصر طبیعی است . همچنین یکی از ارتباطات انسان با عالم وجود ، ارتباط انسان با طبیعت است . فراهم بودن این ارتباط که کثرت تأکید بر لزوم آن در تعالیم اسلامی و فرهنگ ایرانی ما را از ذکر جزئیات آن بی‌نیاز می‌نماید ، امر مهمی است که می‌تواند به عنوان یکی از معیارهای مسکن مطلوب مطرح شود . علاوه بر نیاز انسان به تماس با طبیعت ، هماهنگی محیط مصنوع و از جمله عمارت و مسکن ( به عنوان مهمترین و بیشترین اثر معماری مستحدثه توسط انسان در زمین ) با طبیعت ( محیط ، عناصر ، سیما و





جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

مناظر ، مصالح ، زیبایی های طبیعی ( ضرورتی‌انکارناپذیر است. بنابراین انسان از جنبه های مادی و معنوی متفاوتی به طبیعت و عناصر طبیعی و برخورداری از تماس مداوم با آنها نیازمند است . در این مقوله توجه به چند نکته اهمیت دارد :

اولاً اینکه این تماس باید در يك سلسله مراتب منطقی از واحد مسکونی از کوچه ، خیابان ، محله ، شهر و حتی خارج شهر ( طبیعت بکر ) برقرار باشد . ثانیاً عناصر طبیعی بسته به ارزشی که در برآورده نمودن نیازهای معنوی و روانی انسانها توجه به معانی نمادینشان دارند شناسایی و دسته بندی و به مردم معرفی شوند و امکان تماس با آنها برقرار گردد . ثالثاً به نقش عناصر طبیعی در جهت پاسخگویی به نیازهای معنوی انسان نیز توجه شده ، این نقش مهم به مردم معرفی می شود .

علاوه بر آن ملحوظ داشتن شرایط اقلیمی و محیطی در طراحی مسکن نقشی بسیار مهم ایفا می نماید و نکته مهم در این مقوله آن است که ابنیه به گونه ای طراحی شوند تا نیاز به تنظیمکننده های مصنوعی شرایط محیطی به حداقل ممکن کاهش یابد . در این صورت است که نه تنها در بلند مدت فواید زیست محیطی و حتی صرفه های اقتصادی فراوانی برای جامعه خواهد داشت ، در جهت خود کفایی و هویت ملی نیز عمل خواهد کرد .

نکته بعدی در ارتباط با بهره گیری از طبیعت عبارت از شناسایی قوانین حاکم بر طبیعت و استفاده از آنها در طراحی و برنامه ریزی محیط مصنوع و از جمله مسکن است . این موضوع به وظیفه مهم انسان به عنوان خلیفه الله رجوع داده می شود که



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

در جهت حفظ امانت الهی باید اصول حاکم بر اعمالش را اصولی قرار دهد که در افعال و خلقت الهی مشاهده می شوند.

**– میانه روی :** میانه روی که همان مشی در حد تعادل و اجتناب از افراط و تفریط است از کیفیاتی است که در به تعادل رساندن جامعه لیفای نقش می نماید . جنبه ای از میانه روی عبارت از اجتناب از اسراف و تبذیر است که در مقولاتی همچون انتخاب مصالح و شیوه های ساخت و تنوع فضاهای درونی مسکن و هر آنچه که بتوان آنرا به عنوان خروجاز تعادل ذکر کرد ، بروز می نماید . علاوه بر آنمیانه روی به معنای اجتناب از لغو و بطالت است که این اعراض و دوری به عنوان ویژگی مؤمنین ذکر شده است . جملگی اینها هوشیاری جامعه را در تقابل با موج ترویج مصرف گرایی و مدگرایی رایج طلب می نماید کههدنیای صنعتی و مادی گرایی معاصر به شدت مبلغ و مروج آن است و به صورت اشکال ، مصالح ، فضاها و روابطی ظاهر می شود که در تضاد با اقلیم و ارزشهای فرهنگی جامعه و حتی اقتصاد خانواده ها است .

**– احترام به حقوق دیگران :** مرعی داشتن حقوق سایر آحاد جامعه از جمله همسایگان تأثیری بسزا در شکلگیری مسکن مطلوب و ارتباطهای مساکن مطلوب بت یکدیگر خواهد داشت . این به آن معناست که مساکن مطلوب در عین حالی که امکان ارتباط مناسب بین افراد خانواده فراهم می آورند از بروز مزاحمت های بصری ، صوتی ، روانی و امثال آن پیشگیری کنند .



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

**– وحدت جامعه :** طبیعی است که تعبیر مسکن ، منحصر به شکل داخلی بنای سکونت‌نبوده ، عواملی را نیز که در ارتباط با سکونت هستند ( از جمله امکانات و خدمات شهریو حتی اثرات روانی اشکال ، رنگها و تناسبات عمارت ) در برمی گیرد . بنابراین میتوان یکی از مظاهر مسکن مطلوب را در فقدان قطب بندی ها و تضاد بین خدمات در دسترسواحدهای مسکونی و حتی محلات همجوار قلمداد کرد . به عبارت دیگر بین محلات شهر ( ودر نتیجه بین اهالی آن ) نباید در دسترسی به امکانات عمومی تبعیضی وجود داشته باشد . وجود تبعیض و بی عدالتی در توزیع امکانات و در دسترس مردم به آنها عاملی مهم درجهت خدشه به وحدت جامعه و بروز تضاد و دوگانگی بین مردم خواهد بود . و بالعکس رفعتبعیض و قطب بندی شهر و گرایش به سمت عدالت ، زمینه را برای تقویت وحدت و همبستگیجامعه فراهم خواهد نمود . مورد دیگری که در تقویت وحدت جامعه مهم است توجه متعادل به هویت جمعی و هویت فردی جامعه و آحاد آن است که در این زمینه نیز رجحان هویت جمعیه هویت فردی امری است که مقوم وحدت و یکپارچگی جامعه خواهد شد . فرد و جامعه بهعنوان دو عنصر اساسی مطرح در زمینه ها و دانش های مختلف بشری ، هر کدام در هر مکتبیتعاریف و اهمیت خاصی دارند . در مقوله خاص مسکن مطلوب ، توجه به این نکته ضروری استکه مسکن و به ویژه ظاهر ( سیما و کالبد ) آن به عاملی در جهت خدشه به وحدت جامعهمنتهی نشود . در این راستا ، توجه به مفاهیم و ارزشهایی همچون زیبایی ، سادگی ، تأکید بر هویت ملی و همچنین احتراز از تفاخر فردی ،



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

اجتناب از خود نمایی ، اجتناب از همشکلی با بیگانه و احتراز از اموری که سبب ترویج فردگرایی و خدشه به وحدت جامعه می گردند ضرورت دارد . توجه به این عوامل خواهد توانست تقویت کننده وحدت و همبستگی جامعه باشد .

**– احترام به خانواده :** خانواده کوچکترین واحد اجتماعی است که ارتباط‌هایی با اعضاء خود و با جهان خارج دارد . هر یک از این ارتباطها ، نیازمند فضایی مناسب برای فعالیت های فردی و جمعی است که در مسکن رخ می دهد . رابطه این فضاها با یکدیگر و با فضای خارج و تناسب آنها با ویژگی ها و مختصات و اهدافی که برای خانواده مطرح است و همچنین تناسب آن با فعالیت‌های مرتبط ، موضوعاتی هستند که توجه طراحان را طلب مینماید . بنابراین مسکن مناسب ، شرایط مناسب را برای زیست ساکنین خویش به عنوان یک واحد بنیادین اجتماعی ( خانواده ) فراهم می نماید .

### معماری همگام با زمان

زمانی که بشر بر روی زمین اسکان یافت ، قبل از تولد هر حرفه ای معمار و معماری متولد شد زیرا بشر برای یافتن و یا خلق مکان مناسب برای زندگی تلاش خویش را آغاز نمود، و این تلاشها تا به امروز ادامه دارد هر چند که در طول زمان این تلاشها متکامل گردیده ولیکن تمامی این تلاشها با یک هدف به پیش می رود و آن هم رسیدن به هدف غایی معماری، که خلق و محافظت از مکان است. مکان می‌تواند به عنوان شناسه سازماندهی فضایی درک شود و فرم ساخته شده ، و معنای آن با زبان معماری که شامل نیازها، نوع جهان بینی یا سنت است نشان داده شود، معماری تنها مسئله چگونه و چه نیست، بلکه مسئله کی و کجا نیز هست.



جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>

بنابر این، مسئله نهایی ما این است که معماری در خلق مکان‌های رضایت‌بخش برای شیوه‌های جدید و به روز زندگی باید به سرچشمه‌هایی رجوع کند که در زبان‌های متفاوت فرم مشترک‌اند، معماری پیش از آنکه چیزی را نمایش دهد شیوه‌های متفاوت هستی بین زمین و آسمان را مجسم می‌کند. البته تمام چیزها با زمین و آسمان رابطه دارند، و این رابطه بخشی از جهان آنهاست، در معماری این جنبه اهمیت اساسی می‌یابد، یا به بیان دیگر، آثار معماری، نوع جهان بینی و آنچه را که ما «مکانمندی» جهان می‌نامیم نشان می‌دهند. این نکته مسلماً خصیصه اصلی هر اثر معماری است که فضایی عرضه کند که امکان می‌دهد زندگی «اتفاق بیافتد». اما این فضا باید با فرم‌های ساخته شده در کار مشخص باشد تا بتوان گفت مکان است، یعنی زندگی می‌تواند در آن «رخ دهد». زمانی که چیزی اتفاق می‌افتد، در واقع می‌گوییم که زندگی توانسته است رخ دهد. ولی این رخ داد چگونه رخ می‌دهد؟ همانگونه که گفته شد به مرور زمان شیوه‌های جدید زندگی، تجدد نظری، تعبیرها و تفسیرها، عملکردهای مشخص ساختمانی و نیازهای جدید بشری و بسیاری دیگر، مانند آنهایی که به مبانی نظری و اعتقادی و نوع نگرش به جهان مربوط می‌شدند آشکار می‌گشتند.

«چیزهای» جدید مسلماً برای خودشان چیزهای جالبی‌اند، اما تغییرات کلی در روابط میان انسان و محیط زیستی و ماورا الطبیعه که در پی این امر شکل می‌گیرد، مهم‌ترند. بنابراین ما در خصوص پویایی، ارتباط و هم‌زمانی صحبت می‌کنیم. تمام این واژگان به ساختارهایی وابسته به فضا و زمان اشاره دارند و به نظر می‌رسد که تازگی جهان اساساً باید در شرایط چینی درک شود.

یعنی به طور ضمنی می‌گوییم که خیلی بی‌معنی است که درباره زندگی از يك سو و مکان از سوی دیگر صحبت کنیم. مکان جزء مکمل حیات بشری است، و این فرصت مناسبی برای معماری است تا مکان‌هایی عرضه کند که مناسب زندگی انسان باشد.

معماری باید در جهان آزاد صورت پذیرد جهان آزاد بدان معنا نیست که تمام مکان‌های خاص لزوماً هویت‌شان را از دست بدهند و جملگی شبیه به هم شوند. جهان آزاد، جهان ارتباطات و تغییرات است، و مستلزم نوعی گونه‌گونی است. به بیان دیگر، زندگی ضرورتاً با خصوصیات محلی رابطه دارد، و تجسم هر نوع جهان باید تجلی این خصوصیات را با نیاز و تکنولوژی روز در بر گیرد و اینکه معماری می‌تواند ریشه در محل داشته باشد و با زمان به جلو گام بردارد یعنی می‌تواند بر فراگیر و به روز بودن آن و جنبه‌های محلی موقعیت تأکید داشت، در واقع می‌تواند رشد سنت جدید را در معماری از ابتدای تاریخ تا کنون مشاهده کرد، معماری همگام با زمان.

معماری را باید با مناسبات خود معماری درک کرد. البته این بدین معنی نیست که معماری را رشته‌ای «مجزا و خود مختار» برشمریم. معماری به مثابه نوعی هنر، به زندگی تعلق دارد.

معماری همیشه و در همه حال همگام با زمان با توجه به نیازها و نوع جهان بینی که نسبت به زمان تعریف می‌شوند و هیچ یک بر دیگری مقدم نیست و در تعارض با یکدیگر نیز نمی‌باشند به پیش رفته است هدف آن نیز عبارت است از فراهم آوردن مکان‌هایی که زندگی بتواند در آن به راحتی و با آسایش «به وقوع پیوندد». مکان، مجموعه‌ای از منابع یا احیاناً ظرفی خنثی و بی‌طرف نیست؛ بلکه در واقع محیطی است عینی و ملموس که نوعی نظم و منش و ویژگی را برای برآوردن نیازها در خود دارد.

در نهایت می‌توان گفت معماری در هر زمان با نگرشی از جهان نو و نیاز انسان برای جهت‌گیری و تعیین هویت در آن، آغاز گردیده و ادامه دارد. معماری به طور کلی این نیاز را از طریق سازماندهی فضایی و بیان صورتی، برآورده می‌سازد. اهمیت بنیادین این مفاهیم، مدت‌ها پیش تشخیص داده شد لیکن تا امروز مناسفانه هیچ‌گاه بحث شایسته و درخوری در مورد آن صورت نپذیرفته است.

جهت دریافت نسخه WORD و فایل‌های مشابه روی لینک زیر کلیک کنید

<http://www.Irdwg.ir>